

قفقاز جنوبی به عنوان یک مکمل راهبردی در راهبردهای امنیتی بسیاری از کشورها از جمله ایران، ترکیه، روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا است. بنابراین ثبات یا بی ثباتی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با فروپاشی شوروی مناطقی از جمله قفقاز دچار بحرانهای ارضی شدند و وارد عرصه رقابتهای شدید ژئوپلیتیک شدند. صحنه متزلزل قفقاز جنوبی همچنان یکی از عرصه های درگیری و مناقشه میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای است. مناقشه های قره باغ یک نزاع ژئوپلیتیکی چندسطحی را میان قدرتهای منطقه و فرامنطقه ای نیز بوجود آورده اند. بررسی و نگیزش هر یک از مناقشات قره باغ نیازمند یک برنامه جداگانه است که بدانها پرداخته خواهد شد.

در این برنامه به نگیزش و بررسی نگاه ترکیه به این حوزه ژئوپلیتیک می پردازیم. ترکیه از دوران عثمانی گری نسب به قفقاز علایق سیاسی و نظامی خاصی داشته است. در دوره سلطنت نادرشاه و نیز در دوره صفویان نیروهای عثمانی چندین بار اقدام به اشغال این منطقه کردند. طی پیمان آماسیه نیز مناطق مهم این منطقه بین ایران و عثمانی تقسیم شد. با شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و خروج قوای عثمانی از قفقاز سرنوشت این منطقه توسط بلشویکها تعیین شد.

تاسیس شوروی به مثابه یک سد در برابر ترکیه و آمال آن بود. از آنجایی که ترکیه رویای پان تورانیسم را دارد که میدان بازی خود را در قفقاز و آسیای میانه تعریف کرده بود که با ظهور شوروی سیاست خارجی پانترکیستی آن دچار تعلیق شد. لیکن پس از فروپاشی شوروی ترکیه یک بار دیگر سعی کرد که وارد معادلات قفقازی شود. ائتلاف دو دولت ترکیه و جمهوری اشغالی بادکوبه یکی از جنبه های حساس این معادلات را شکل داده است. حیدر علیف روابط این دو دولت را به عنوان یک ملت دو دولت تعریف کرده بود و در عمل روابط بسیار نزدیکی میان این دو دولت ایجاد شد.

با سفر علیف در سال ۲۰۰۱ به ترکیه یک شراکت استراتژیک میان این دو دولت ایرانستیز شکل گرفت. ترکیه تحت هدایت حزب و عدالت و توسعه در ابتدا جاه طلبی اش در قفقاز محدود به بحث انرژی و اقتصاد انرژی بود. بتدریج اتحاد سیاسی ئ نظامی این دو دولت جعلی و مساله ساز در حوزه قفقاز جنوبی، با پروژه های بزرگ اقتصادی پیوند خورد.

ترکیه به لحاظ سنتی همیشه از اقتدار خاندان علیف حمایت کرده است در سال ۲۰۰۷ پس از فوت خیدر علیف از به قدرت رسیدن الهام علیف پشتیبانی کرد.

جمهوری اشغالی بادکوبه در معماری سیاست خارجی ترکیه توسط داوود اغلو جایگاه خاصی داشت. داوود اغلو در کتاب عمق راهبردی به این موضوع پرداخته است. با ورود داوود اغلو در سال ۲۰۰۹ به وزارت خارجه ترکیه این سیاستها عملی شد.

به گفته وی برای اینکه تبدیل به یک قطب قدرتمند شود بایستی در منطقه قفقاز جنوبی نقش حائز اهمیتی داشته باشد. در واقع در این دید ترکیه برای خروج از وضعیت حاشیه ای خود در سیستم ژئوپلیتیک جهانی باید در این منطقه نیز دارای نقش فعال باشد.

زیرا در غیر این صورت ترکیه تبدیل به یک بازیگر بی اعتبار شده و حتی قادر نخواهد بود که تمامیت ارضی خود را حفظ کند. داوود اغلو در پیوند با اهمیت حوزه ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی درگیری ارمنی و اذری و دعوای روس و چین را در قالب معادله ترک و روس فهم کرده است و میگوید که تا زمانی که جمهوری اشغالی بادکوبه در قفقاز تبدیل به قدرت برتر این حوزه ژئوپلیتیک نشود امکان افزایش وزن ترکیه در حوزه دریای کاسپین وجود ندارد.

نخجوان در این حوزه ژئوپلیتیک برای ترکیه نقش یک گرنیگاه را بازی میکند. این ناحیه خودمختار در بر اساس قرارداد میان شوروی و ترکیه ضمانت خودمختاری خود را بدست آورد و این وضعیت حتی پس از فروپاشی شوروی ادامه یافت. هیئت سیاسی و دیپلماتیک ترکیه قصد داشت که از حضور اردوهای عثمانی در قفقاز بهره برداری سیاسی کند و به همین دلیل هم در مذاکرات موسوم به مسکو لایحه هایی با مضمون تحت الحمایگی نخجوان را ارائه کرد. و بنابراین این پیشنهاد را برای جمهوری اشغالی بادکوبه مطرح کرد بدون حق انتقال آن به کشور ثالث و بنابراین جمهوری نخجوان در درون حاکمیت جمهوری اشغالی بادکوبه قرار گرفت.

عهدنامه قارص در واقع طوری تنظیم شده است که بعضا حق مداخله جویی را برای ترکیه هم در نظر میگیرد. تا زمان انعقاد پیمان قارص و با توجه به قراردادهای مرزی میان ترکیه و شوروی ترکیه فاقد مرز زمینی با نخجوان بود که پس از یک سری مذاکرات با دولت وقت ایران توانست یک گذرگاه استراتژیک ۳۰ کیلومتری به به نخجوان را بدست آورد. در سال ۲۰۱۷ نیز وزیر اقتصاد ترکیه از تاسیس یک منطقه ازاد اقتصادی در نخجوان خبر میدهد که نشانگر آنست که تجارت با نخجوان تفاوتی با تجارت با دیر شهرهای ترکیه ندارد. در ادامه این سیاستها جهت افزایش سهم و نقش ترکیه در اقتصاد نخجوان این کشور تعرفه های گمرکی را نیز ملغا کرد. از سوی دیگر ترکیه علاوه بر اهداف اقتصادی نیز اشتیاق زیادی برای دست درازی به منابع سرشار دریای اریایی کاسپین دارد.

کوشش ترکیه برای انتقال خط لوله انرژی جمهوری اشغالی بادکوبه به اروپا را میتوان کنترل مجموعه ای از مسیرهای انرژی کاسپین را محسوب کرد. از دیگر سو انگیزه های پانترکیستی نیز در سیاست خارجی ترکیه در این راستا بی تاثیر نیست که ترکیه امروزه قصد دارد که نشان دهد حامی ترکهای جهان است!

از نظر ناسیونالیست های متوهم ترکیه تقویت ادعاهای جمهوری اشغالی بادکوبه در برابر ارمنستان که همواره با موضوع نسل کشی ارمنی ترکیه را به چالش کشیده است و نیز تمدن نژاده و اصیل ایران شهر، یک راه حل مناسب منطقه ای دارد.